

۴

فرهنگ و هنر

■ سال دهم

■ شماره ۱۱۵۸

■ یکشنبه

■ ۲۶ دی ماه ۱۳۸۹

■ ۱۱ صفر ۱۴۳۲

■ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۱

دربا

خمپاره درست به شکمش اصابت کرده بود. تنها سر، سینه و پاهایش قابل شناسایی بود. چراغ قوه را روی صورتش گرفتم. همان طور دست‌نخورده با چهره‌ای به آرام آمده بود. قلم‌به درد آمده بود و دستان لیزانم به سختی به صورت‌تش نزدیک می‌شد.

–اسفندیار رخش‌ت تنها پرگشته، تو هیچوقت اون روز خودت دور نمی کردی؟ چرا...اسفندیار...

بعد از عملیات والفجر ۲ که در منطقه حاج عمران بود برحسب نیاز از گردان‌های پیاده‌به عنوان نیروی مهندسی رزمی به لشکر ۴۱ تارالله منتقل شدم. مسئولیت‌م در لشکر امورات اداری و معاونت اجرایی بود.

از همان روزهای اول با تعدادی از بچه‌ها آشنا شدم که از گندم گونی چهره‌هایشان می‌شد فیهید اهل جنوب هستند،حسی آشناکه مرا یاد شرجی و گرمای بندرعباس می‌انداخت. باب دوستی باز شد و کنشش و جاذبه جنوبی‌ها به سراغم آمد. در بین بچه‌ها رستم شهودست، اسفندیار حاج و رمضان کربمی بیشتر از همه‌به من نزدیک بودند. رستم شهودست اهل گنوج بود و بسیار زیبا به لهجه بندری صحبت می‌کرد. همین امر باعث شده بود تا مجذوب‌لن و بیانش شوم،همه‌کاره محورهای مهندسی بود و در نوع خودش بی نظیر اسم اسفندیار حاج یا «بلدورز دی هشت (D A)» شهره مناطق جنگی بود، از بچه‌های شجاع و ترس‌ک‌ه آوازه رخش‌حنایی‌اش در همه‌جا پیچیده بود حتی حاج کاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ تارالله او را با اسم کوچک «اسفندیار»صدای می‌گفت. یادم هست موقع عملیات حاج کاسم یک‌یک مخصوص خودش را به مهندسی می‌فرستاد و از ما می‌خواست تا اسفندیار را با رخشش برای عملیات بفرستیم.

بچه‌هایی‌که به نوعی با آن‌سرا و سر کار داشتیم از خط شکنها و تخریب چی‌های خیره و گمنامی بودند که بعد از شهادتشان تازه به وجود آنها در جنگ بی می‌بردم.

خیلی خوشحال بودم که با یک گروه تخصصی‌که نامشان «سنگر سازهای بی سنگر» منطقه بود آشنا شده بودم. قبل از اینکه با اسفندیار آشنا شوم آوازه خانواده‌اش به گوشم خورد،داج بود و هم‌زیگی داج و بسر عموئ شهید محمدر داج بود و همین ویژگی از او انسانی غیور و شجاع ساخته بود.در منطقه هیچ کسی حق ندانشت اسلحه‌اش را حتی برای لحظه‌ای از خود دور کند، به قول بچه‌ها کالاشنیکف ناموسمان بود و هرجا که می‌رفتیم باید همه‌را خود می‌بردیم تا به کمین عراقی‌ها نخوریم... بابا اسفندیار یک دقیقه این غول بی شخا و دلا را ول کن و بیا پیش ما! – شسرمد، ناموس شما کالاشنیکف است و ناموس من بلدورز م، در ضمن تا حالا کدوم مردی رو دیدید که ناموسی‌را تنها به امان خدارا که دنبال رفیق بازی‌اش ...ها! – خویه حالا تو تا نشدنی‌ان وقت جه مصیبتی باید از دست تو می‌کشیدم بسرا!

– بابا ز دی نباش، آخر کار دست خودت می‌دی‌ها – شما نگران من نباشید هر جا هم که برم پیشش می‌خوام، این تیر و ترکش‌ها هم چاره‌کارا نیست! – بی خیال،بابا! اسفندیار ما نیست که با گوجه‌گندیده وسط میدون میال‌کنه، خمپاره‌و تا نشصت

هتل کشتنی با پوشش گیاهی گلخانه‌یی در روسیه

یک شرکت روسی دست به ساخت یک هتل – کشتی زده که به منظور مقاومت در برابر مد دریا طراحی شده است.

به گزارش (ایسنا)، این هتل غول‌پیکر یک زیستگره است که در زمان حوادث به عنوان یک پناهگاه جامع و ایمن مصوب می‌شود.

این هتل که به شکل سداف ساخته شده با داشتن محیطی خودکفا و سبز برای میهمانان، می‌تواند در برابر امواج مدی و سایر بلایای طبیعی مقاومت کند. به گفته معماران، ساختار قوس و کابل مدفی شکل این هتل-کشتی باعث توزیع مساوی وزن در آن شده، بنابراین در مقابل زلزله کاملاً آسیب‌ناپذیر است.

این طراحی از پاتل‌های خورشیدی و سیستم جمع‌آوری آب باران برای ار اند آب و برق به ساکنان هتل استفاده می‌کند. این محیط گلخانه‌ای مانند همچنین از پوشش گیاهی، سرسبز برای تامین کیفیت‌ها و صنایع غذایی استفاده می‌کند. این کشتی–هتل به وسیله شرکت روسی، می‌استودیو با کمک برنامه معماری امدادی اتحادیه بین‌المللی معماری ساخته شده است. به گفته الکساندر ریمزوف، یکی از اعضای شرکت، در معماری دو مسئله حائز اهمیت است، مساله اول حفظ امنیت و اقدامات احتیاطی در برابر شرایط حاد محیطی و تغییرات آب و هوایی و مساله دوم حفاظت از محیط طبیعی در برابر فعالیت‌های انسانی. وی اظهار کرد: این کشتنی تلاشی در جهت پاسخ به چالش‌های دوران ماست.

رخش اسفندیار

کجا، وسع من و شما کجا! – دمت گرم زدی توی خال! – پس بالا بالاها شوت می زنی برادر! – آنوقت خنده چهره سبزه و معصومش را بازه تر می‌کرد، با وجود اینکه تسلیحات نظامی در دسترس همه قرار می‌گرفت اما بلدورز دی هشت (D A) تنها به خود او تعلق داشت.

گاهی اوقات به شوخی او را اذیت می‌کردیم.

– اسفندیار کی سندن زدیشی؟! – از هسون روزی

که از کارخانه بیرون آمد زدنش به نام من تا چشم عراقی‌ها رو با خاک‌ریزهایی که می‌زنم در بیارم!..-الله، مگه تو حال عراقی‌ها رو بگیر! ای چیزی نمی‌ترسید به همین خاطر اکثر پرو بچه‌های مهندسی رزمی و حتی نیروهای گردانهای دیگر شیفته رفتار اسفندیار بودند. ابان ماه سال ۶۲ بود که لشکر ۴۱ تارالله را به گردستان منتقل کردند تا برای انجام عملیات والفجر ۴ برنامه ریزی چند دانه خورده بود و ضو گرفت و به نماز ایستاد. – خدا از سر تقصیرمون بگذره ای کاش انگور نخورده بودم.

– خدا خیلی بخشنده است، ان شاءالله بخشه. نزدیک ظهر که غذا آماده شد دور هم نشستیم و شروع به خوردن کردیم. خورشید لایه لای ابرهای سپید و خاکستری آسمان خود را در بعد از ظهری خنک به نمایش گذاشته بود که به طرف مقر رفتیم به طرف سنگر مهندسی رفق تا بر مانده‌های تماس بگیریم و اطلاعات مربوط به شناسایی آن روز را گزارش بدم و اسفندیار نیز به سراغ رخشش رفته بود. در سنگر نشسته بودم که احمد مرادعلی زاده وارد سنگر شد.

تعب کردم خودم ما نزدیک به پنج شش راننده بلدورز داشتیم در حالی که حاج قاسم تنها اسفندیار برای ماوریت انتخاب کرده بود. – باشه تا یک ساعت دیگه می فرستمش یاد. – خوب برادر آگه کاری باشه درخدمت. – نه به سلامت، در امان خدا، در فکر بودم که رستم وارد سنگر شد. – سلام موسی، چه خبر؟ – سلام،سلامتی. پیش پای تو احمد مرادعلی زاده آمده بود. – خوب چی گفت. – گفت حاج قاسم گفته اسفندیار رو با رخشش بفرست فرمادیم!

– پس آناز خوربه برم به بچه‌ها خبر بدم! – نمی‌دونم چرا حاجی از اسفندیار خواسته که بره؟ – این تعجب نداره، آوازه شجاعت و شیر دلی اسفندیار همه جا هست. در ضمن قاسم خیلی خوب اسفندیار رو می‌شناسه! – اما اسفندیار...

– اما چی؟ اسفندیار بیشتر از اونی که توی می‌شناسی ترس، بارها خودم شاهد بودم که بدون هیچ راه‌واهی توی آتش دشمن خاکریز زد و آخ هم نگفت. – اما از وقتی فهمیدم که باید برم دل‌م شور می‌زنه.

– تو کلمات به خدا شنه، مطمئن باش فقط اسفندیار که با رخشش از عهده این عملیات برمیاد. – خویه هنوز حرف من و رستم تمام نشده بود که صدای بلدورز طرف حزب‌اللهی رفت.

اسفندیار به گوش رسید. – بچه‌ها دور بلدورز اسفندیار جمع شدند. به اتفاق رستم بیرون رفتیم. اسفندیار از بلدورز پیاده شد و به طرف ما آمد. هر کسی چیزی می‌گفت: – می‌بینم که طلبیده شدی! – اسفندیار ضمت پای ما رو هم بگیر. – چی شده خبره؟– از موسی بیرس، ظاهر ادعوت شدی حائندون!– سلام موسی، چه خبر!دبچه‌ها چی میگن! – حاج قاسم فرستاده دنبالت باید بری منطقه. – کی ان شالله؟– همین الان! ز رخشش رو بردار و برو – سبب حاج قاسم سلیمانی ظاهرا قراره عملیات بشه. – پس توجی، تو نمی‌ای موسی؟– نه، می‌بینی که دستور حاج قاسم تا دیر نشده بلدورز را برادرار و برو. تا بزرگه ماوریت رو میزنم برو به دستی به رخشش بکش. اما قبل از آنکه افسار رخشش را به دست بگیرد صدام‌کرد گفت: – موسی برام دعا کن دستم را پرایش نکان دادم حسین (ع) و لشکر حضرت رسول (ص) بود و تنها وظیفه من شانه! – اما اسفندیار...

اسفندیار بیشتر از اونی که توی می‌شناسی ترس، بارها خودم شاهد بودم که بدون هیچ راه‌واهی توی آتش دشمن خاکریز زد و آخ هم نگفت. – اما از وقتی فهمیدم که باید برم دل‌م شور می‌زنه.

– تو کلمات به خدا شنه، مطمئن باش فقط اسفندیار که با رخشش از عهده این عملیات برمیاد. – خویه هنوز حرف من و رستم تمام نشده بود که صدای بلدورز طرف حزب‌اللهی رفت.

جرج بوش در خاک سوئیس دستگیر می‌شود

قرار است رییس‌جمهور سابق آمریکا روز ۱۲ فوریه عازم سوئیس شود و این در حالی است که قوانین جدید این کشور مقامات قضایی سوئیس را ملزم به دستگیری جایگزاران علیه‌بشریت‌کنند.

به گزارش شبکه ایران به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی "سوئیس گزین"، جورج دابلیو بوش، رییس‌جمهور سابق آمریکا در صورت پا گذاشتن به خاک سوئیس بر اساس قانون باید دستگیر شود.

بنابر این گزارش، گفته می‌شود بوش قصد دارد به دعوت یک سازمان یهودی در ۱۲ فوریه آتی به سوئیس عزیمت کند. بوش متهم به جنایت علیه بشریت است و طبق تغییرات انجام گرفته از اول ژانویه در قوانین سوئیس، مقامات سوئیس موظفند بوش را بازداشت کنند.

بر اساس این گزارش، دادستان عمومی سوئیس موظف است که بلافاصله با پیاده شدن بوش در فرودگاه، دستور دستگیری وی را صادر کند. دادستان عمومی سوئیس موظف است که با جایگزاران این بین‌المللی حاضر در خاک سوئیس برخورد قانونی کند.

این شریعه سوئیس افزود: باید دقت‌کنیم و ببینیم که بر خورد مقامات قضایی سوئیس با این قضیه چگونه خواهد بود؟ اگر این مقامات از این وظیفه خود سرپیچی‌کنند، ظلم بزرگی به قربانیان عراقی جنایات بوش کرده‌اند.



پس چش به تو ،تو صاحب رخش منی ، – ان شاء الله بعد از عملیات باید بهم سواری بدی – روی چشم موسی، استنب کجایی؟– همین جا ولی قراره منتقل بشویم قرار آگه تاکتیکی، چطور مگه؟– هیچی، همین جور برسیدم– راستش رو بگو تو بی خود حرف نمی زنی. – فردا صبح میام پیشست موسی ان لحظه به معنای حرف اسفندیار توجهی نکردم و ساده از کنارش

سر سبزی منطقه و سردی هوا که بندرت با آن روبرو شده

بودیم حال و هوای خاصی بین

بچه‌های جنوب ایجاد کرده

بود،مه آلودی هوا و آتشی که

ما را دور هم جمع می‌کرد.

یک روز قبل از شروع عملیات

والفجر ۴ با چند تا از بچه‌های

مهندسی رزمی برای شناسایی به

باغ‌های اطراف منطقه رفتیم

گذاشتم. وقت خدا حافظی رسیده بود دستانت را حلقه

دور درگرم و سرسش را به شانه‌ام تکیه داد. – خوبی بدی عزیزم! حال کن! – برو به امید خدا، ان شاء الله که با پیروزی بر می‌گردد.

بعد از رفتن اسفندیار به طرف نماز خانه رفتم و نماز را خواندم. حدود ساعت ده شب بود از فرماندهی دستور حرکت داند!کبیرسی نیزه‌ها را به قرارگاه تاکتیکی منتقل کردیم.جای که به منطقه عملیات نزدیک بود.

هر دو عفره ساعت ده رهن زمان پر نیمه شب تکیه داده بودند که وارد قرارگاه شدیم. حال و هوای خاص شب

عملیات در فضا پرکنده بود، هر کسی مشغول کاری بود. تعدادی از بچه‌ها جادرهای بهاری را برپا و بزرگسکان

بهرستان اتاق‌های عمل سربایی را آماده می‌کردند.

بیمارستان صحرایی با تمام امکانات و ستاد مجروح و معراج شهاده همه گواه نبردی عظیم بودند.

هر کسی هر جایی را در گوشه جادرها و سنگر‌ها برای خواب انتخاب کرده بود اما من همچنان کسسته به دنبال

جای خالی می‌گشتم.بعد از کلی سرک کشیدن در این سنگر و ان سکر،سنگر خالی و جاداری پیدا کردم که

ظاهرا دست هیچ کسی به آن نرسیده و خالی از کسنگه بود. با خوشحالی وارد سنگر شدیم.کف سنگر خاکی بود

و تنها با لاستیکی بزرگی انتهای سنگر به دیوار تکیه

داده شده بود. – فرط خستگی سرم را روی آن توب

پلاستیکی گذاشتم و عمیقاً ساعت۴/۵ صبح بیدار گش

نور چراغ قوه یکی از بچه‌ها پیدار شد توی گنج و کبکی

خواب پریدم – اول صبحی گیر داده به من!– باشو

موسی، وقت نمازه، باشو!باشیدن صدای رستم شنشتم

اخبار فرهنگی

نمایشگاه ((یاد یار مهربان)) موجب گسترش فرهنگ مطالعه در میان دانش آموزان

♦ مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان روز چهارمین روز از برگزاری نمایشگاه یاد یار مهربان طی کنفرانس خبری گفت: این نمایشگاه موجب گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان دانش آموزان می‌شود.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، همایون امیرزاده، گسترش فرهنگ مطالعه در میان نسل جوان و نوجوان را منوط به فرهنگ سازی از دوران اولیه تحصیل دانست و افزود: وجود کتابخانه های مجهز و استاندارد در مدارس اولین نیاز مردم در جهت ترویج فرهنگ کتابخوانی می باشد. وی برگزاری نمایشگاه ((یاد یار مهربان)) را اقدامی مهم در راستای ایجاد نهضت کتابخوانی معرفی کرد و گفت: با حمایت های استاندار هرمزگان اولین دوره از این نمایشگاه در استان در حال برگزاری است و تاثیر گذاری آن مستلزم استمرار در سال های آتی می باشد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان خاطرنشان نمود: با ۷ میلیارد ریال اعتبار در نظر گرفته شده بیشتر از ۳۲۰۰ مدرسه از سراسر استان می توانند جهت کتابخانه های خود از این نمایشگاه کتاب تهیه نمایند.

نمایشگاه کتاب در رودان افتتاح شد

♦ به مناسبت فرا رسیدن ماه صفر نمایشگاه کتاب دینی و مذهبی و محصولات فرهنگی با همکاری هیأت مذهبی ابوالمفضل در شهرستان میناب صبح امروز افتتاح شد.

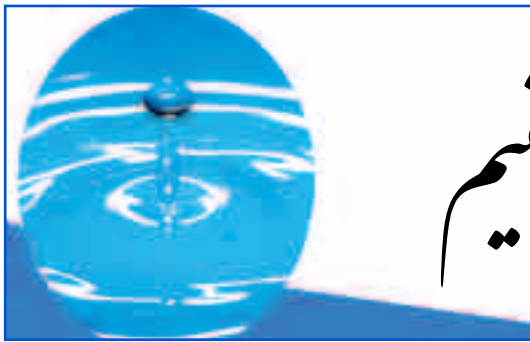
به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، در این نمایشگاه بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب در ۲ هزار عنوان در موضوعات مختلف مذهبی، دینی، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، کودک و نوجوان و ... ارائه شده است که تا اربعین حسینی ادامه خواهد داشت.

گفتنی است بازدیدکنندگان می توانند همه روزه از ساعت ۸ صبح لغایت ۲۰ این نمایشگاه دیدن نمایند و از محصولات عرضه شده با تخفیف ۱۵ درصد بهره‌مند گردند.

آثار نقاشی «جهانبخش صادقی» در بندرعباس به نمایش در می آید

♦ آثار نقاشی هنرمند معلول جهانبخش صادقی ۲۶ دی ماه در بندرعباس به نمایش در می آید.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، در این نمایشگاه ۴۰ اثر از هنرمند نقاش جهانبخش صادقی به شیوه رنگ روغن در نگار خانه مرحوم گورش گرمساری فرهنگسرای طوبی به نمایش در می آید. گفتنی است: جهانبخش صادقی از نقاشان مشهور می باشد که تاکنون نمایشگاه های فراوانی را در سطح کشور برگزار نموده و با توجه به معلولیت، سبک خاصی در نقاشی ایجاد کرده است.بر اساس این گزارش نمایشگاه نقاشی این هنرمند به مدت ۱۰ روز از تاریخ ۲۶ دی ماه در نگارخانه فرهنگسرای طوبی دایر می باشد.



چرا با اسراف در مصرف آب، بهار ایران را خزان کنیم

● روابط عمومی و آموزش بگانی شرکت آب و فاضلاب هرمزگان



موسیقی تراوش احساسات و اندیشه های آدمی و مبین حالت درونی می باشد و به بیانی دیگر زبان دل و عالی ترین تجلی قریحه انسانی است.

ایسن جمله ای است که در بخشی از معرفی آلبوم "آمییس صبا" نوشته شده و چه زیبا از دل مرکز-توانبخشی جابر بن عبدالله انصاری

پیش فروش آبارتمان آماده تحویل یک ماهه

با بهترین امکانات در گلشهر شمالی

۴۰ میلیون تومان نقد ۱۸۰+میلیون تومان وام مسکن

ما بقی اقساب بصورت کاملا توافقی

♦ تلفن تماس: ۰۲۲۶۹۸۸۶

♦ ساعت تماس: صبح ۸ الی ۱ ظهر عصر ۵ الی ۸ شب

عمر طولانی با

مصرف

بیشتر با بی

روابط عمومی اداره کل سلات هرمزگان

